

تیتزر روز

روحانی: صرفه‌جویی همه دستگاه‌های دولتی و فروش اموال و املاک مازاد دستگاه‌ها ضروری است

دارکوب: چه عجب به‌بار قرار شد شما صرفه‌جویی کنید؟ آهان... اونم ما باید مازادها تون رو **بخریم**؟ حله!

وزیر اقتصاد: سهام‌عالت بسیار ارزشمند است
مردم: برای ما یا برای شما؟!

کرونا، سرباز اشکانی را از گور درآورد
سرباز اشکانی: اومدم به دوست هام بگم **قدر این ویروسی** رو بدونین که زمان آموزش‌شی رو کرده یک ماه!

دبیر ستاد مبارزه با مواد مخدر دلیل گرانی مواد را شایعه مفید بودن آن در مقابله با کرونا و افزایش کشفیات دانست

یک معتاد: خدا نگذره از اونی که لو داد **معتادانمی گیرن!**

نایب رئیس انجمن داروسازان: داروخانه‌ها از نظر اقتصادی تحت فشار قرار دارند

دارکوب: از وقتی مردم کارت می‌کشن و دیگه صندوق دار نمی‌تونه **به جای بقیه پول**، چسب زخم و استامینوفن بده این جور شد؟!

محبوب، نماینده مجلس: در ژاپن مردم تحمل می‌کنند اما ما نه قیمت و نه کیفیت کم را تحمل نمی‌کنیم

ترجمه حرف مردم ژاپن: خداییش ما **خجالت کشیدیم** از این مقایسه بی‌ربط شما!

کله چغوکی

آق کمال و عیال آنلاین

سرو کله می‌زنند!



آق کمال

همه کاره و هیچ کاره

بساطی داشتیم با ای آموزش مجازی. روزهای اول که برآم جمال به تنبلی گذروند، بعد که دگه همه ره به ستوه آورد از دستش زله رفتن، مادرُم دست به دامن موو کاملیا خانم شد و زنگ زد که: «ببین موره از دست ای جانور نجات بدن، درس و مشقه بوسیده گذاشته کنار و صبح تا شب پای تلویزیون دره بازی مکنه». کاملیا خانم پای تلفن داشت خنده‌شه قورت مداد که مادرُم گفت: «کاش فقط خود کوفتیش بود، آقش از خودش بدتر! از خواب که بیدار من پدر و پسر دسته بازی ره مگیرن دست‌شان و پای تلویزیون لمن مد و مو باید تر و خشک‌شان کنم...» انا حالا خوب رفت! رفتم خانه‌شان، نشون به او نشون که بعد از یک ساعت، جمال به عیال قول داد در سشه آنلاین بخوانه که پس فردا مثل مو مهندس بره. حالانه که مو الان نوئم تور و غنه و کاژم سکه‌به! قرار شد روزی دوساعت برم خانه آقام اینا تا تو کار ای درسی کمکش کنیم. از همو لحظه اول شروع رفت! اولش بساطی داشتیم که نرم‌افزار شه روی گوشی نصب کنیم. گوشی آقام که گوشه‌کوبی بود و آجیم هم ارضی نمرت گوشه‌شه بده. به بدبختی یک گوشی اضافه خودمه در دست کردُم و دادم بهش. مورد بعدی سرعت اینترنت خانه‌شان بود که جواب نمداد و کلی هزینه کردم که سرعت بره بالاتر! اقلا بتنن سسی ثانیه ویدئوره توسی دقیقه باز کنن! بعد نوبت خود بر نامه شد. روزهای اول که اسمش تو کلاس هان بود. بعد اسمش رفته بود تو سه تا کلاس بالاتر. بعد کل کلاس هاشان پاک رفت. بعد کلاس‌ها دوباره در دست دولی معلم‌شان نمتستت بیاد تو گروه و کلاس تبدیل شده بود به پاتوق بازی و بچه‌ها از کورده‌هاشان گفتن و بازی جدید به هم معرفی مکردن. بعد که معلم تستت بیاد تو گروه، از صبح یک عکس تکلیف مداشت، ظهر مرسید دست بچه‌ها و تا فردا صبح طول مکشید بچه‌ها عکس مشق هاشانه بدارن. چند روز بعد صبح رفتن تو بر نامه و دیدن برنامه باز نمره و مگه به روز سانی مروه و مدرسه پیام داد فعلا دست نگه دارن تا ببینم چی مشه. خلاصه که به اندازه کل دوران تحصیل خودُم و عیال، توای چند روز حرص خوردُم، آخرش هم جمال در حال بازی با گوشی گفت: «مو اصلاً نمخوام مهندس بزم. دوست دزم از اینایی بشم که مشین بازی مکنن و فیلمشه مذارن تو اینترنت و پول پارو مکنن» ایم از ای!



حال و روز خوراک و خوراکی‌ها! در این دوران



کارتون‌نست: طاروت‌نیک

سوژه روز

مسئول ول نکن و مردم تحمل کن!

اولی: حرف‌های آقای رئیس‌جمهور رو شنیدین؟
دومی: خوشبختانه این روزها ایشون خیلی جلسه برگزار می‌کنن و متأسفانه ما به گردپاشون نمی‌رسیم.
اولی: ایشون گفتن در لحظه اول شیوع کرونا فکر کردیم این بیماری در یک شهر برای چند نفر وار دشته، بعد دیدیم چند نفر است. یک روز بعد متوجه شدیم چند شهر است و بعد متوجه شدیم چند استان است.
سومی: خدا رو شکر که بالاخره متوجه شدن و گر نه طبق همون فرمول معروف جمعه‌شنبه، هر جمعه‌هی می‌گفتن من امروز فهمیدم و از شنبه در دست میشه، تا بالاخره به شنبه‌ای می‌رسید که کار از کار گذشته بود!
دومی: خوبه که سرانجام تموم شدن بساط و به خیر گذشت.
سومی: تموم شد؟ خوابی یا خودت رو به خواب زدی؟
دومی: شدیدا که خواب می‌اد ولی الان هوشیارم، مگه

ندیدی قرنطینه رو تموم کردن و همه بر گشتن سر کارشون؟
اگه هنوز خطر بود که دیگه اقلا پارک‌ها رو باز نمی‌کردن که مردم برن روی زمین فرش بندازن و لوله قلیون شون رو با هم معاوضه کنن! تازه همین که قرار بود قسط و امانم رو تاخیر بندازن ولی الان هر کی میره بانک می‌بینه بر اش جریمه بریدن، نشون میده که از اول هم موضوع خطر ناک نبوده و ما الکی بزرگش کرده بودیم تا قسط‌ها مون رو ندم. خدا رو شکر که هر چی مایی ملاحظه‌ایم، مسئولان دقت و سرعت عمل بالایی دارن!
اولی: بقیه‌اش رو گوش بدین، ایشون گفتن نمی‌گوییم مشکل را تمام کردیم، مشکل را کاهش دادیم و قابل تحمل کردیم.
سومی: باز خدا خیر شون بده که نمیگن مشکل تموم شده و گر نه باید بررسی می‌کردیم که علاوه بر بی‌ملاحظگی، چرا این قدر نمک‌شناس هم هستیم و هی غمی ز نیم

فتو کاتور

چه خبره آقا؟
قرار نیست که پول پلاستیک و دستکش و الکل و ماسک رو هم بکشین روی سیبز مینی و پیاز!

مجمه:
آدم‌ها اومدن تو پارک...
فرار کنیم!

استاندار تهران:
کله آب را زیاد کردیم تا مطمئن شویم به کرونا آلوده نیست

آب رفتی از بس خودتو شستی مرد!

نه بابا، فکر کنم کله آب روزیاد کردن!

دستگیری متهمان تولید بستی با شیر خشک فاسد

اوستا به خاطر وایتکس توشیرها این طوری شدن؟

نه، فکر کنم چون تو شیرها و وایتکس فاسد شده بودن و اینا جوری شدن!

کارتون‌نست: سعید مرادی

فال روز

ای صاحب فال، راستش را بگو با آن یک میلیون وامت چه کردی؟ البته به ماری بلی ندار دولی مطمئن باش اگر به آن دست نزن قطعاً تا هر وقت که خودت بخواهی برایت باقی خواهد ماند! این را که به مرور زمان ارزشش کم شود یا کلاً از بین برود، دیگر ما نمی‌توانیم پیش‌بینی کنیم. پس اگر اثری از ش باقی مانده بگذار همان جاتوی حسابت بماند، برایت بچه نمی‌کند ولی شاید گره از کار کسی باز کند، مثلاً بانک قسط‌هایش را اتومات بردارد!

شعر روز

هفته معلم

از او درس محبت را بیاموز
به نور او چراغ جان بفروز
زمانی بسته گنج مصرفش بود
بگیرد بسته اینترنت امروز!

دمی وضعیتش عالی بماند
در اوضاع خوش مالی بماند
بود آن روز، روز یک معلم
که جیبش پر، دلش خالی بماند!

باری ز «توفنتی» آخرش «ناین» شدیم
در لچه اصفهانی اش «پاین» شدیم
ما پشت در کلاس ماندیم امروز
چون پشت سر معلم آنلاین شدیم!

عبدال...مقدمی

مکالمه من و وزیر!

دیشب وزیر بهداشت پیغام داده با سوز
هی دست را بشوید صدبار هر شب و روز
باشست و شوی دستان این روزها شود طی
هر چند از پیامش سرویس شده‌دان هی!
اما دقایقی بعد یک شخص خاص دیگر
پیغام داده: جانم، کم‌آبی است دختر!
ای هموطن! گرامی! ای خانم! ای تو سرکار!
کمبود آب داریم جبران آن چه دشوار
گفتم به او که سرکار، ویروسی است دستم
هر چند شیر از زود مثل فشنگ بستم
اما ادامه داد او پیغام‌های خود را
گفتم مزاحمی یا بیکار یا... خدا یا
انقد زن پیامک ول کن مشخصاتم
من با وزیر بهداشت فعلاً در ارتباطم
آمد دوباره پیغام از آب و صرفه‌جویی
گفتم بس است دیگر یک بار هم بگویی
گفتم به او که هستی؟ گفتا وزیر نیرو!
من هم وزیر هستم بانو نه این که لولو
حیران شدم و با غیظ گفتم خدانتگهار
ای کاش هی نمی‌شد پیغام تو پدیدار!
گیج است آدمیزاد در این مدل دوراهی
بهداشت یا که نیرو باید چه کرد گاهی؟
هر چند از پیامش بی‌وقفه در شگفتم
اما من آن شب آخر تصمیم خود گرفتم
ویروسی است هم کل هم گاه جزئیاتم
چون با وزیر نیرو اکنون در ارتباطم

بهار نژند

دیفال

ارسال

با خیال راحت نان بخورید!

نوع: قابل حمل

قیمت: تخفیف ویژه کرونا

توضیحات:

این روزها که همه ما فکر و ذکرمان درگیر مشکلات خرید و ضد عفونی کردن است، کار شما را راحت کردیم! دستگاه نان‌داغ‌کن سیار، با بند تنظیمی با این اختراع می‌توانید بدون دغدغه از هر نانویی با هر وضعیت بهداشتی نان خرید و همان‌جا کنار خیابان آن را داغ کرده و با خیال راحت با دست بخورید همراه با یک قالب پنیر هدیه